

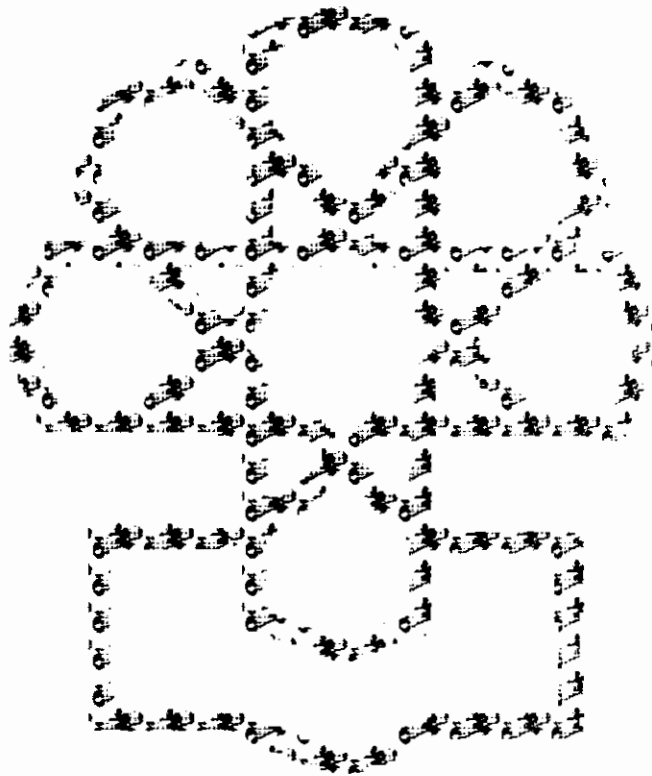
۴۵۴۲

۴۵۴۲

۲
K



فتح خرمشهر، نقطه عطف دفاع مقدس



معاونت پژوهشی

خرداد ۱۳۷۸

کار: گروه (۱) خدمات پژوهشی

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
 کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی فارابی
 شماره: ۱۱۵۱۴
 تاریخ: ۷۸، ۵، ۲۳

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۴۲

بسمه تعالی

فتح خرمشهر، نقطه عطف دفاع مقدس

کد گزارش: ۴۱۰۴۵۴۲

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران دو پیام عمده برای جهانیان به ارمغان آورد. اول این که می توان بدون کمک گرفتن از قدرت های خارجی و تنها با تکیه بر نیروهای مردمی بر علیه سلطه گران زمان قیام کرد و به پیروزی رسید و دوم این که تشکیل حکومت دینی در عصر حاضر نه تنها امکان پذیر، بلکه به عنوان الگویی نجات بخش فراروی ملت هاست.

روشن است که هیچ یک از دو پیام فوق برای مستکبران و جباران قابل قبول نبود. سال های متمادی برای درهم شکستن مقاومت ملت ها کار شده بود و بالاتر از آن با بزرگ نمایی قدرت های پوشالی زمان از یک سو و نفی اراده و توان ملت ها از سوی دیگر، امید به رهایی را در حد آرزویی دست نیافتنی دور ساخته بودند. در آن روز اگر حرکتی آزادی بخش علیه قدرتی هم صورت می گرفت به طور قطع تکیه و پیوند با ابرقدرتی دیگر داشت.

مسئله دیگر دین زدایی از جوامع انسانی بود تا اراده خدایی و تنها نسخه شفابخش برای بشر محو گردد و اراده و مطامع دنیایی زورمداران و مستکبران زمینه بروز و سیطره یابد.

بنابراین از همان زمان شکل گیری حرکت اسلامی و به ویژه پس از پیروزی انقلاب استقرار نظام اسلامی انواع مخالفت ها و برخوردها و تخطئه ها شروع شد تا حلاوت پیروزی گرفته شود و چراغی که در دل ملت های جهان روشن شده بود به تاریکی گراید.

کسینجر، سیاستمدار و تئوریسین صهیونیست امریکایی ۳ تهدید از ۴ تهدید بزرگ برای غرب را مربوط به ایران می داند و برژنف رهبر وقت شوروی خط انقلاب اسلامی در بیداری مردم جمهوری های مسلمان نشین شوروی را گوشزد می کند. لذا ابرقدرت ها تفکر انقلاب اسلامی و مدل نظام اسلامی را خطری جدی محسوب کردند و تضعیف و سرنگونی آن را در زمره اهداف خود قرار دادند. حرکات امریکا در تقویت گروهک ها و ایجاد فتنه و آشوب در نقاط مختلف ایران هدفی جز سرنگونی نظام نوپای اسلامی نداشت که با تسخیر لانه جاسوسی و افشای اسناد به دست آمده بسیاری از توطئه ها آشکار شد و نقشه های امریکا برای سازماندهی حرکت های تجزیه طلبانه خنثی گردید. پس از عملیات دخالت مستقیم امریکا برای نجات جاسوس ها که به لطف الهی تفنگداران این کشور در صحرای طبس زمین گیر شدند فکر هجوم نظامی و تحمیل جنگ به ایران شکلی جدی به خود گرفت و برای این کار رژیم بعث عراق که از مدت ها پیش رهبری جهان عرب، همچنین دستیابی به مناطق نفت خیز ایران را آرزو می کرد به عنوان عاملی مناسب مورد توجه قرار گرفت.

تاریخچه خرمشهر

پیش از ظهور اسلام در ۱۸ کیلومتری شمال خرمشهر در جای فعلی قریه «تمار» شهری به نام «بارما» بوده که در سده اول پس از ظهور اسلام نام آن به «بیان» تبدیل شده است.

طبق شواهد و قرائن تاریخی این شهر تا نیمه قرن سوم هجری بر پا بوده ولی در اثر جنگ‌هایی که متعاقباً رخ داده ویران گردیده و از آن پس تا قرن هفتم هجری در آثار تاریخی نامی از آن برده نشده است. در این زمان، بندری کوچک در ابتدای جزیره آبادان به نام «محرزه» که «مهمان راه» هم به آن گفته‌اند به وجود آمد که جای آن در محل فعلی قریه «محرزه» در کنار پل خرمشهر بوده است. بنای دگر باره شهر که به نام «الْمَحْمَرَه» قرین است مربوط به قرن ۱۳ هجری است. زیرا از آنجا که بندر بصره مهم‌ترین بندر بازرگانی در جنوب غربی ایران و در خاک عراق بوده و بسیاری از کالاهای مورد نیاز ایران الزاماً باید از طریق خلیج فارس و بندر بصره به ایران وارد گردد و نیز حکومت عثمانی که در آن زمان بر خاک عراق تسلط داشت علاوه بر اخذ عوارض گمرکی و هزینه انبارداری در بصره، کرایه زیادی بابت حمل و نقل کالاهای بازرگانی مربوط به ایران دریافت می‌کرد، در نتیجه هنگامی که این کالاها به خاک ایران می‌رسید، طبق محاسبات دیوانی، هزینه‌ای دو برابر ارزش اصلی کالا را به خود می‌گرفت و این در حالی بود که این کالاها وارد خاک ایران شده بود و از آن پس نیز مخارج حمل و نقل آن از جنوب ایران به سایر نقاط و سایر عوارض و... باعث افزایش قیمت‌ها می‌شد. بنابراین در زمان شاه عباس صفوی، دولت ایران به فکر ایجاد بندری در کرانه اروندرود افتاد تا در آن گمرکی ایجاد کند که با ویژگی‌های یک بندر بازرگانی تناسب داشته باشد.

بعد از گذشت سال‌های متمادی، در زمان محمدشاه قاجار (در سال ۱۳۲۵ هجری قمری) این فکر از ذهنیت خارج شد و جنبه عملی به خود گرفت و «محمره» به صورت یک بندر درآمد و در کنار آن گمرکی نیز ساخته شد.

تأسیس بندر «محمره» در مقابل بندر بصره باعث شد که درآمد ارزی بندر بصره کاهش یابد و در نتیجه حکومت بغداد برای آن که از ایجاد بندری در مقابل بندر بصره جلوگیری کند به انجام تعرضاتی علیه این بندر دست یازید. در سال ۱۲۵۳ هجری قمری «علیرضا پاشا» حاکم بغداد بالشگری فراوان به محمره هجوم آورد، شهر را غارت و خراب کرد و اکثر مردانش را کشت. اما شهر پس از این ویرانی دوباره بازسازی شد. به هر صورت، تا تیرماه سال ۱۳۴۴ هجری شمسی، کلمه عربی «محمره» بر این شهر اطلاق می‌شد تا این که در این سال با تصویب هیئت وزیران وقت، نام «خرمشهر» رسماً بر آن نهاده شد که همچنان تا به امروز این نام را برای خود حفظ کرده است.

موقعیت اقتصادی و اجتماعی خرمشهر

تا قبل از جنگ تحمیلی، «خرمشهر» به واسطه موقعیت جغرافیایی و تجاری که با دریای آزاد داشت ثروت عظیمی را در خود جای داده بود. وجود تجارتخانه‌های بزرگ و نمایندگی شرکت‌های بزرگ تجاری داخلی و خارجی و همچنین شرکت‌های بزرگ کشتیرانی، به خرمشهر چهره یک بندر بین‌المللی را بخشیده بود و ساکنانش به زبان‌های فارسی، عربی و دیگر زبان‌های خارجی آشنایی داشتند.

عموماً ساکنین این شهر به کار در بخش‌های خدمات، کشاورزی (کشت خرما و مرکبات) و صنایع دستی

مثل عبابافی و حصیربافی و صنایع دیگر اشتغال داشتند.

اولین اسکله تجاری بزرگ در خرمشهر برای پهلو گرفتن کشتی‌های اقیانوس پیما، در سال ۱۳۱۸ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال‌های جنگ دوم جهانی (۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴) با توسعه عملیات حمل و نقل کالا توسط متفقین، شش اسکله دیگر نیز ساخته شد. پس از جنگ جهانی، بار دیگر توسعه و تجهیز بندر مورد توجه قرار گرفت و براساس برنامه عمرانی، با در نظر گرفتن فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور، اسکله بتنی دیگری به طول ۳۶۰ متر و عرض ۳۲ متر ساخته شد.

ساختمان جدید بندر در سال ۱۳۲۴ آغاز گردید و در سال ۱۳۲۷ در طرح آن تجدیدنظر به عمل آمد و در سال ۱۳۴۰ اعتبار طرح به بیش از ۸۶۲ میلیون ریال افزایش یافت. طرح تعمیر و توسعه بندر خرمشهر، متضمن تعمیر و توسعه بارانداز، تکمیل چهار انبار فلزی موجود و مجهز کردن آنها، خرید و نصب شش انبار ترانزیتی فلزی و سایر عملیات مربوط بوده است.

در نتیجه عملیات مختلف، ظرفیت بندر افزایش پیدا کرد و طول اسکله آن از ۱۰۰۰ متر به ۱۳۵۰ مترو تعداد ایستگاه‌های پهلوگیری، در مجموع به ۹ اسکله افزایش یافت.

زمینه‌های تهاجم

عراق از دیرباز آرزوی دستیابی به مناطق غربی ایران را در سر می‌پروراند. با اوج‌گیری مسئله گروگان‌گیری، تنها یک روز قبل از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، صدام حسین اعلام کرد که ایران باید از سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابو موسی خارج شود. وی همچنین اظهار داشت:

عراق آماده است با زور، تمام اختلافات خود با ایران را حل کند.

در حقیقت صدام بر این باور بود که توازن نظامی به نفع عراق تغییر نموده و اوضاع ایران در هم ریخته است. همچنین مناسبات بین‌المللی به تحقق اهداف او کمک خواهد کرد.

اهداف عراق در این تهاجم، با توجه به هم‌سویی منافع عراق با آمریکا در مورد مهار و کنترل انقلاب اسلامی و همچنین تمایلات توسعه‌طلبانه این کشور را می‌توان در سه سطح بیان نمود:

۱- تسلط بر اروندرود و کنترل این شاهراه آبی دهانه خلیج فارس؛

۲- الحاق استان خوزستان به عراق؛

۳- براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران.

شرایط و وقایع زمان و همچنین تحلیل عراق و ایران از یکدیگر در بروز جنگ و پیشروی اولیه عراق مؤثر بوده است.

تحلیل ایران از عراق

همیشه در جنگ شناسایی اهداف قدرت و شرایط طرف مقابل از اهمیت زیادی برخوردار است. آنچه از دوران شاه تبلیغ می‌شد تفوق نظامی ایران بر عراق بود. البته ارتش شاه از نظر نیروی هوایی و دریایی بر عراق برتری داشت ولی میزان تانک‌ها، نفربرها، توپخانه و همچنین تعداد لشکرهای رزمی و مکانیزه ارتش عراق برتری چشمگیری را در زمین به ویژه برای جنگیدن در مناطق مسطح نشان می‌داد.

لذا کسانی که تبلیغات برتری مطلق ارتش شاه بر عراق را به راه انداختند بعداً خودشان هم به اشتباه افتادند. کارشناسان نظامی گمان نمی‌کردند که عراق بتواند یک هجوم سراسری را علیه ایران تدارک ببیند.

اندیشه غلطی مستولی بود که عراق نمی‌تواند در عمق ایران نفوذ کند و در نهایت برخوردهای مرزی اتفاق خواهد افتاد. بر همین اساس فرماندهان وقت «آرایش دفاع مرزی» را مناسب دیدند و به دنبال «آرایش پدافند در عمق» نبودند. لذا به مجرد این که خطوط مرزی فرو می‌ریزد عراق به طور گسترده در جاهایی که با موانع مردمی روبه‌رو نبود تا عمق ۸۰ کیلومتری خاک ایران نفوذ می‌کند.

بنی صدر به عنوان فرمانده کل قوا به دلیل همین بینش تحلیلی غلط از اوضاع ارانه می‌داد. بنی صدر معتقد بود: «جنگ صورت نمی‌گیرد مگر این که توازن به هم خورده باشد».

این بینش در غافل‌گیری ابتدای جنگ تأثیر فراوانی داشت.

تحلیل عراق از ایران

بر اساس تحلیل عراق مستشاران امریکایی مغز متفکر ارتش ایران بودند. با خروج آنها و فرار ژنرال‌هایی که فرماندهی ارتش را به عهده داشتند قاعدتاً توان عملیاتی از ارتش ایران سلب شده بود.

از سوی دیگر هیاهوی گروهک‌ها در روزنامه‌های متعددی که در اختیار داشتند این گونه وانمود می‌کرد که عن قریب نظام اسلامی از درون تجزیه خواهد شد.

از تهاجم تا زمین‌گیر شدن

در اوایل مهرماه ۱۳۵۹، رژیم بعثی بالغویک جانبه قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر با تمام قوا به بیش از ۸۰۰ کیلومتر از مرزهای ایران حمله کرد. استراتژی عراق برای تحقق اهداف مورد نظر بر اساس عملیات برق‌آسا و قاطع طرح‌ریزی شده بود و عمدتاً معطوف به مناطق جنوبی کشور بود. لذا فرماندهان عراق، نزدیک به $\frac{2}{3}$ توان نظامی خود را برای عملیات در مناطق جنوبی کشور سازمان‌دهی کردند.

دشمن برای تحقق اهداف خود محورهای زیر را مورد تاخت و تاز قرار داد:

- محور دزفول: دشمن در کمتر از یک هفته به غرب رودخانه کرخه رسید و با تسخیر عین‌خوش در پشت پل نادری متوقف شد. لکن کل منطقه شوش و دزفول را پوشش داد.

- محور چزابه - سوسنگرد - اهواز: دشمن با خیزی بلندی به دروازه حمیدیه رسید و شهر اهواز را در معرض تهدید قرار داد. اتفاق جالب توجه در این منطقه تک‌شانه ۲۸ تن از برادران پاسدار و بسیجی به فرماندهی شهید «غیور اصلی» از برادران سپاه اهواز - در حالی که فقط چند قبضه آر.پی.جی ۷ در اختیار داشتند موجب - انهدام و عقب‌نشینی تانک‌های عراقی گردیدند.

- خیبر - اهواز: از این محور عراق با تصرف پاسگاه طلائی و کوشک به سمت اهواز پیشروی نمود و در نهایت در جنوب رودخانه کرخه متوقف شد.

محور شلمچه - خرمشهر - آبادان: پیشروی عراق از این محور با مقاومت مردم خرمشهر روبه‌رو شد. یکی از لشکرهای عراقی با عبور از کارون و پس از قطع جاده اهواز - آبادان توانست آبادان را محاصره کند ولی در کوی ذوالفقاری آبادان با مقاومت مردمی روبه‌رو و مجبور به عقب‌نشینی شد.

حماسه خرمشهر

دشمن در ابتدا دستیابی به شهر را آهسان می‌پنداشت و مقاومت را بسیار ناچیز و اندک برآورد می‌کرد. زیرا از مدت‌ها قبل با برنامه‌ریزی و استخدام مزدور و فرستادن سلاح زمینه‌های هرج و مرج را در این شهر به

وجود آورده بود.

ولی مواجهه با مقاومت شدید مردمی، ذهنیت فرماندهان عراقی را عوض کرد. تصور چنین بود که با ورود به دروازه خرمشهر، مقاومت مدافعان شهر در هم شکسته و شهر سقوط خواهد کرد. یکی از فرماندهان عراقی در این مورد می‌گوید:

«ما در این گمان بودیم که شهر به دست نیروهای عراقی سقوط کرده است، درحالی که عکس این قضیه به وقوع پیوست به گونه‌ای که مدافعان به نیروهای ما اجازه دادند تا داخل شهر شوند، سپس آنها را به محاصره خود درآوردند و با تمامی سلاح‌های در دسترس خود، بیش از $\frac{2}{3}$ تانک‌های گردان الحسن و بیش از نیمی از خودروهای گردان مکانیزه را منهدم ساخته و ضمن کشتن تعدادی از نیروهای گردان پیاده، بعضی از آنان را نیز به اسارت خود درآوردند.»

حملات دشمن بارها تکرار شد و هربار مقاومت رزمندگان دشمن را متوقف می‌ساخت. با افزایش نیروهای دشمن قلب شهر در معرض تهاجم و یورش قرار گرفت.

مسجد جامع خرمشهر نقش ستاد عملیات و فرماندهی و مرکز پشتیبانی و تغذیه‌کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می‌کرد. سرانجام در آبان ۱۳۵۹ دشمن با قوایی بسیار اقدام به پیشروی کرد. مدافعان خرمشهر تا آخرین لحظات با دشمن جنگیدند و با مقاومت، ایثار و جان‌فشانی خود، حدیثی حماسی و انقلابی و در عین حال غم‌انگیز و مظلومانه‌ای را رقم زدند.

عزل بنی صدر - فوران انرژی انقلاب

بنی صدر تا زمانی که فرماندهی جنگ را به عهده داشت با تکیه به روش‌های شناخته شده مجالی برای شکوفایی نیروهای انقلابی باقی نمی‌گذاشت. او جنگ را محدود به نظرات یک سری از کارشناسان و مشاوران خاص خود کرده بود. او نه تنها قابلیت‌های نیروهای انقلابی را نمی‌شناخت بلکه حتی میدان و فضا را از آنها گرفته بود.

با عزل بنی صدر، انرژی نهفته در انقلاب آزاد شد، فرماندهی انقلابی که بعد از بنی صدر و براساس نظریات امام خمینی تحقق یافت این هنر را داشت که از این ابزارها استفاده کند. در این بین سپاه و ارتش به هم نزدیک‌تر شده و عملیات ثامن‌الائمه به عنوان اولین تجربه مهم و مشترک به پیروزی می‌رسد. طراحان این عملیات افرادی بودند که در متن انقلاب رشد کرده بودند. این گونه عملیات به شکوفایی نیروهای خودی و استفاده از ابتکاراتی که در جنگ‌های دنیایی نظیر بود انجامید.

تحلیل وضعیت آن روز کشور نشان می‌دهد که چگونه چهره جبهه‌ها و موازنه قدرت به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر یافت. عزل و فرار بنی صدر و خون پاک شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی و تعدادی از مسئولان کشور که به افشا شدن چهره منافقین و دشمنان مردم که تا آن زمان با استفاده از ابزار و تریبون‌های مختلف از جمله روزنامه‌ها افکار و روحیات مردم را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند انجامید، مردم را به خود آورد و مجدداً وحدت و روح معنویت در جامعه و جبهه‌ها حکمفرما شد. این فضا امکان افزایش حضور مردم در جبهه‌های جنگ و همدلی و هم‌فکری را فراهم ساخت. بدین ترتیب سازمان رزمی سپاه گسترش یافت. همکاری و هماهنگی ارتش و سپاه و بروز ابتکار و خلاقیت در صحنه‌های نبرد موجب تحولی در صحنه نبرد شد به طوری که دشمن از درک شرایط جدید عاجز ماند.

آزادی خرمشهر

پیروزی‌های پیاپی در «عملیات ثامن‌الانمه» (۱۳۶۰/۷/۵)، «طریق‌القدس» (۱۳۶۰/۹/۸) و «فتح‌المبین» (۱۳۶۱/۱/۲) چهره جنگ را به کلی عوض کرد. یکی از کارشناسان نظامی^۱ با نگاهی عمیق به عملیات فتح‌المبین اقدامات بعدی دشمن یعنی عقب‌نشینی و فرار به پشت مرزهایش را متأثر از همین عملیات دانسته و می‌نویسد:

«عملیات فتح‌المبین، خفت‌بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق نمود و این تهاجم به عقب‌نشینی عراق در سرتاسر خط جبهه، در طول مرز ایران و عراق و نابودی سه لشکر عراق منجر شد. عملیات فتح‌المبین موقعیت برتر سیاسی را برای ایران فراهم آورد و اوضاع را برای عملیات بیت‌المقدس (۱۳۶۱/۲/۱۰) فراهم ساخت. با توجه به روحیه ضعیف دشمن که قادر به بهره‌گیری از امکانات خود نبود، امام خمینی دستور تسریع در این عملیات را صادر کردند. منطقه بیت‌المقدس در واقع آخرین منطقه مهمی بود که همچنان در قلب دشمن بود که موجب از هم پاشیدن نیروهای بعثی گردید. رزمندگان اسلام در واقع با عملیات عبور از رودخانه برخلاف آرایش دشمن، وارد زمین منطقه اشغالی شده و از پهلو به دشمن حمله کردند. این اقدام تزلزل شدیدی را در نیروهای عراقی ایجاد نمود. عملیات بیت‌المقدس که به دقت طراحی و با روحیه بالا اجرا گردید موجب عقب‌نشینی اساسی دشمن شد، به طوری که خرمشهر آزاد شد و نیروهای ایران به مرزهای بین‌المللی رسیدند.»

اهمیت فتح خرمشهر

امام (ره) می‌فرمود: خرمشهر را خدا آزاد کرد. در طول جنگ خرمشهر برای عراق و هم برای ایران دارای اهمیت فراوانی بود. صدام بارها گفته بود که خرمشهر را از دست نخواهد داد. یکی از سندهایی که پس از فتح سنگرهای دشمن در خرمشهر به دست آمد بیانگر اهمیت این شهر برای دشمن و علت مقاومت آنان است:

«دفاع از محمره (خرمشهر) نگرانی از پیروزی است، دفاع از محمره، شرافت آزادگان عراقی را به همراه خواهد داشت، دفاع از محمره، نابودی دشمن فارسی را تضمین می‌کند.»

فتح خرمشهر که در مرحله چهارم عملیات بیت‌المقدس به وقوع پیوست نتایج و دستاوردهای فراوانی داشت:

فتح خرمشهر به منزله بزرگ‌ترین پیروزی نظامی - سیاسی جمهوری اسلامی ایران در جنگ تلقی شده و در مقابل عراق و حامیانش نیز بزرگ‌ترین ضربه سیاسی - نظامی را متحمل شدند. از این پس توازن سیاسی و نظامی به روشنی به سود ایران تغییر کرد.

این امر در جملات سیاستمداران امریکایی به چشم می‌خورد و نگرانی آنان از سقوط رژیم عراق، صدور انقلاب اسلامی و حاکمیت بر تحولات آتی منطقه را نشان می‌دهد. ترس از سرنگونی رژیم صدام در بسیاری از اظهار نظرهای محافظ غربی و عربی دیده می‌شد. این امر به خوبی موقعیت برتر ایران و شکست سیاسی و نظامی عراق را پس از عملیات بیت‌المقدس نشان می‌دهد.

روزنامه گاردین در این باره نوشت:

۱. افرایم کارش.

«سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهم‌ترین افتخار جنگی عراقی که ایرانی‌ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده که به وسیله آن عراق می‌کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند را از دست بغداد ربود». همچنین روزنامه وال استریت ژورنال نوشت:

«عقب نشینی تحقیرآمیز عراقی‌ها دوباره در مورد بقای سیاسی صدام حسین شک و تردید ایجاد کرده است».

این امر در روزنامه‌های عربی انعکاسی دیگر نیز به همراه داشت که فلسفه حمله عراق به ایران را زیر سؤال می‌برد. چنانکه روزنامه الاهرام نوشت:

«اگر قرار بود نیروهای عراقی اکنون از خاک ایران عقب‌نشینی کنند، پس انگیزه حمله به ایران و آغاز جنگ چه بود؟»

پس از این تحولات نگرانی‌های امریکا جدی‌تر می‌گردد. چراکه از فرسایش تدریجی جمهوری اسلامی ناامید شده است. «و این برگ»، وزیر دفاع وقت امریکا به صراحت اعلام می‌دارد که «پیروزی ایران در جنگ با عراق به نفع امریکا نخواهد بود و نگرانی متحدان عرب امریکا در منطقه را به همراه خواهد داشت». لذا امریکا دست به اقداماتی برای بسیج اعراب بر علیه ایران زد که بازگرداندن مصر به جهان عرب که پس از کمپ دیوید منزوی شده بود و همچنین تقویت تشکل شورای همکاری خلیج «فارس» را می‌توان در این راستا ارزیابی نمود.

اندیشه دفاعی امام خمینی

امام امت قیام علیه ظلم و ستم و مقابله با دشمنان اسلام را یک تکلیف الهی می‌دانست و در این جهت حتی دولت‌های اسلامی منطقه را به تشکیل ارتش اسلامی فرا می‌خواند:

«دولت‌های اسلامی منطقه و حواشی آن می‌توانند یک ارتش ذخیره ده‌ها میلیونی و یک ارتش بیش از ده میلیونی تحت پرچم برای دفاع از کشورهای اسلامی داشته باشند... طرح آن را بریزند و از ننگ خضوع در برابر قدرت‌ها نجات یابند»^۱.

در جای دیگر امام به اهمیت موازنه قوا اشاره کرده می‌فرمایند:

«مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود»^۲.

امام نیات دشمن را به خوبی می‌شناخت و در مقابل دشمن هیچ گاه در موضع دفاع و انفعال قرار نمی‌گرفت بلکه چهره‌ای هجومی داشت:

«ما رانتر سائید از این که نظامی می‌آورید، ما نظامی‌های شما را دفن‌شان می‌کنیم»^۳.

امام به کرات مسلمان‌ها را به تشکیل هسته‌های حزب ا... توصیه می‌کرد و با عنایت به نقطه ضعف جهان غرب قدرت نیروهای مسلمان را در تکیه بر نیروی لایزال الهی می‌دانست:

«اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند ما در مقابل تمامی دنیای آنها می‌ایستیم»^۴

۱. حج، مجموعه سخنان و پیام‌های امام خمینی (ره) ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. همان ج ۲، ص ۱۵۸.

۳. همان ج ۲، ص ۹۳.

۴. حج، مجموعه سخنان و پیام‌های امام خمینی، ج ۲.

مسلمانان باید همواره آماده باشند تا در مقابل حملات و دسیسه‌های دشمن غافلگیر نشوند. لکن مسلمان آگاه کسی است که با ترفندهای مختلف آشنا باشد و به عبارتی مؤمن باید دشمن شناس باشد. در جریان جنگ تحمیلی، همه قدرت‌ها امکانات خود را در اختیار صدام گذاشتند. بعضی با پول، عده‌ای با سلاح و حتی با نیروی انسانی مستقیماً به جنگ علیه ایران پرداختند ولی نتیجه‌ای جز شکست نصیب‌شان نشد. لذا به حربه‌های دیگر همچون تفرقه افکنی، حمله به بنیان‌های دینی و هویت ملی و مذهبی روی آوردند. در بعد مذهبی به باورهای اصلی دینی حمله می‌کنند و در مقابله بانظام به ارکان اصلی آن همچون ولایت فقیه و ارکان‌های حافظ سلامت و صلابت نظام می‌تازند. اگر قرار باشد مسئله صلاحیت افراد در تصدی مسئولیت‌ها نادیده گرفته شود، دستگاه قضا و کلیه احکام و قضات محترم آن مورد هجوم قرار گیرند و مجلس و نیروی انتظامی و دیگر نهادهای قانونی در معرض بی حرمتی قرار گیرند در حقیقت زنجیره تهاجم دشمنان به داخل کشور سرایت کرده است.

در این شرایط باید با بازگشت به افکار امام راه مقابله با ترفندهای دشمن را از خلال اندیشه‌های آن بزرگوار جستجو کرد.